

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

19413

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس

پایان نامه کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی

گفتگویی در ذات حق تعالی

(در فلسفه اسلامی)

از انجمن استادی استادیان
تربیت مدرس

۱۳۸۱ / ۵ / ۲۱

استاد راهنما: جناب آقای محمدحسین حشمت پور

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین دکتر رضا اکبریان

محقق: محمدحسن امجدی

سال ۱۳۸۰

۴۱۶۹۱



مرکز تربیت مدرس

مرکز اطلاعات

و

مدارک علمی ایران

مرکز اطلاعات ایران علمی ایران
توسعه مدارک

واحد انتشارات

«تَشْکُر و تَقْدِیر»

حمد و ثنای نامتناهی واجب‌الوجودی را سزاست که به مجرد ذات پاکش، ظاهر و هویدا؛ و به قوت نور وجودش نهان و آشکار است. شکر و ستایش خداوندی را رواست که پرتو نور فیض الجودش ذوات ممکنات و اعیان ماهیات را از کتم عدم به عرصه وجود، و از ظلمت نیستی به جلوه ظهور، و از حسیض امکان به ذروه وجوب آورده است.

صلوات بی‌نهایت و رحمت بی‌غایت بر روح مقدّس واسطه ایجاد عالم و سبب آفرینش آدم، سید رسل، هادی سبُل، واسطه فیوضات سبحانی، خاتم انبیاء محمّد مصطفی و بر آل طاهرین و اهل بیت مطهّرين او که انوار حقایق معارف و حکم از نور ولایت ایشان در دل‌های اهل ایمان و عرفان ظاهر و آشکار است و انوار علوم ربّانیشان بر قلوب پاک اهل علم و یقین تابان است.

امّا بعد در اینجا لازم می‌دانم از زحمات تمامی مسئولین و کارکنان مرکز تربیت مدرّس دانشگاه قم و همچنین از تمامی اساتیدی که در طی دوره تحصیل در ارتقاء علمی دانشجویان دوره هشتم زحمت کشیده‌اند تشکر نمایم.

خصوصاً از زحمات و راهنمایی‌های حضرات آقایان استاد حشمت‌پور، جناب آقای دکتر اکبریان و جناب آقای دکتر دیوانی کمال تشکر و قدردانی را دارم. انشاءالله خداوند در سرای باقی اجر جزیل و وافی بهره همه آن عزیزان بگرداند.

محمدحسن امجدی

« فهرست مطالب »

۱۰	مقدمه
۱۳	تبیین موضوع رساله
۱۳	«ذات» به چه معنا است؟

بخش اول:

ذات حقّ از نظر معرفت‌شناسی

(۱۱۷-۱۸)

۱۹	● فصل اول: (چرا انسان به اندیشه خدا افتاد؟)
۲۶	● فصل دوم: (آیا اندیشه بشری راه به شناخت خدا دارد؟)
۲۷	امکان شناخت خدا از نظر اسلام
۲۹	امکان شناخت خدا از نظر فلسفه
۲۹	مذهب اصالت عقل
۳۰	نظر مذهب اصالت عقل و واقع
۳۱	نظر مذهب اصالت عقل و معنی
۳۳	مذهب اصالت عقل و معنی
۴۰	ماحصل نقّادی عقل مطلق کانت
۴۳	نقد نظر کانت
۴۴	نظریه حسّیون (مذهب اصالت تجربه)
۴۹	نقد نظریات فلاسفه تجربی مذهب و مذهب اصالت عقل و معنی
۴۹	راه حصول علم
۵۰	بسیط بودن نفس آدمی و راه حصول علم
۵۱	راه حصول علم از دیدگاه فلاسفه اسلامی
۵۲	هر علم حصولی مسبوق به علم حضوری است

۵۶	سرچشمه ادراکات و علم‌های حصولی نخستین
۶۱	نتیجه بحث
۶۶	نحوه حصول علم در «تصدیقات»
۷۰	جمع‌بندی پاسخ به منکرین شناخت مابعدالطبیعه
۷۸	رابطه ذهن و خارج
۸۱	بحث از خدا چه فایده‌ای دارد؟
۸۴	● فصل سوم: (راه‌های شناخت خدا)
۸۵	راه دل یا راه فطرت
۸۶	خداشناسی فطری
۸۷	علم حصولی (فطری) به خداوند
۸۹	علم حضوری (فطری) به خداوند
۹۲	گرایش فطری انسان به خدا
۹۶	راه حسّ و علم یا راه طبیعت
۹۶	راه تشکیلات و نظام طبیعت
۹۹	چگونگی دلالت تشکیلات و نظم موجودات جهان بر وجود خداوند علیم و حکیم
۱۰۱	آیا در جهان طبیعت نظم وجود دارد؟
۱۰۳	فرضیه‌های علمی برای توجیه نظام خلقت کافی نیست.
۱۰۵	راه عقل یا راه استدلال و فلسفه
۱۰۸	علم انسان به خداوند به (کنه) کنه ذات حقّ است یا به وجه او؟
۱۱۰	محال بودن ادراک کنه ذات حقّ با علم حصولی
۱۱۰	بیان مطلب:
۱۱۱	محال بودن ادراک کنه ذات حقّ با علم حضوری
۱۱۱	عدم حصول ادراک کنه ذات حقّ به هیچ قسم از انحاء ادراک
۱۱۳	آیا بشر می‌تواند خدا را تصوّر کند؟
۱۱۷	نتیجه بحث

بخش دوم:**ذات حق از نظر وجودشناسی**

(۱۱۸-۲۴۷)

۱۱۹	● فصل اوّل: (اثبات ذات حق تعالی)
۱۱۹	مقدمه
۱۲۷	برهان صدیقین ملاصدرا
۱۳۰	برهان صدیقین در بیان علامه طباطبایی
۱۳۲	ضرورت ازلی واقعیّت
۱۳۳	مصدق واقعیّت که ضرورت ازلی دارد چیست؟
۱۳۴	برهان صدیقین در حاشیه اسفار و اصول فلسفه
۱۳۸	● فصل دوم: (ماهیت نداشتن واجب تعالی)
۱۳۸	مقدمه
۱۳۸	۱- بحثی درباره عنوان مسأله
۱۴۰	توضیح مدعا
۱۴۱	مقصود از این بحث چیست؟
۱۴۲	علّت احتیاج به این بحث
۱۴۳	مراد از وجود چیست؟
۱۴۴	فرق بین ماهیت و مفهوم
۱۴۵	زیادت وجود بر ماهیت
۱۴۶	تفاوت بین عارض ماهیت و عارض وجود
۱۴۸	رابطه وجود مطلق (که ماهیت ندارد) و واجب الوجود
۱۴۹	آیا وجود مطلق قابل تصوّر و تعقل است؟ و در خارج وجود دارد؟
۱۵۰	قابل تصوّر بودن وجود مطلق
۱۵۲	فرق بین تجرّد از ماهیت و تجرّد از ماده
۱۵۳	برهان شیخ رئیس بوعلی سینا بر ماهیت نداشتن واجب تعالی
۱۵۳	توضیح مطلب شیخ:

۱۵۸	تقریر برهان مشهور توسط ملاصدرا
۱۵۹	اشکال فخر رازی به برهان شیخ
۱۶۰	نقض اول فخر رازی نسبت به برهان
۱۶۰	نقض دوم و سوم فخر رازی
۱۶۰	پاسخ اشکال
۱۶۱	پاسخ خواجه به فخر رازی
۱۶۳	پاسخ نقض اول و دوم فخر رازی
۱۶۳	پاسخ هر سه نقض
۱۶۴	بیان ابن سینا در حل مشکل فخر رازی
۱۶۷	پاسخ صدرالمتألمین به اشکال فخر رازی
۱۶۹	پاسخ دیگری بنابر اصالت الوجود به شبهه فخر رازی
۱۷۰	پاسخ دیگری بر اساس اصالت وجود
۱۷۰	اشکال و پاسخ شیخ اشراق
۱۷۳	اشکال ملاصدرا بر برهان شیخ
۱۷۳	اما توضیح اشکال نقضی بر این برهان
۱۷۵	اما توضیح مطلب این است که
۱۷۶	دلیل و پاسخ ملاصدرا به عدم معارضه به ماهیت ممکن
۱۸۰	اشکال دوم ملاصدرا بر این برهان
۱۸۴	نقل اشکال ملاهادی سبزواری به ملاصدرا
۱۸۷	برهان شیخ اشراق بر نزاهت واجب تعالی از ماهیت
۱۹۲	اشکال اول بر برهان شیخ اشراق
۱۹۳	اشکال دوم بر برهان شیخ اشراق
۱۹۶	پاسخ صدرالمتألمین به اشکال دوم
۱۹۷	اشکال سوم بر برهان شیخ اشراق
۱۹۹	پاسخ اشکال سوم
۲۰۰	بررسی نظریه نزاهت واجب از ماهیت بنابر اصالت ماهیت

- ۲۰۱ بررسی ماهیت نداشتن واجب واجب تعالی بنا بر اصالت وجود
- ۲۰۲ برهان علامه طباطبایی (ره) بر نزاهت واجب از ماهیت
- ۲۰۵ ● فصل سوم: (بسیط بودن حق تعالی)
- ۲۰۵ ترکیب‌ها و کثرت‌های محتمل در ذات حق
- ۲۰۷ نفی ترکیب واجب تعالی از وجود و ماهیت
- ۲۰۸ نفی ترکیب واجب تعالی از جنس و فصل
- ۲۰۸ برهان اول:
- ۲۰۹ برهان دوم:
- ۲۱۰ برهان سوم:
- ۲۱۱ آیا حدّ جوهر بر واجب تعالی صدف می‌کند؟
- ۲۱۲ پاسخ شیخ به اشکال:
- ۲۱۴ برهان بر مرکب نبودن واجب تعالی از ماده و صورت
- ۲۱۵ برهان دیگری بر نفی اجزاء فعلی داشتن واجب تعالی
- ۲۱۷ برهان بر نفی اجزاء مقداری از واجب‌الوجود بالذات
- ۲۱۹ برهان دیگر: بر نفی مطلق اجزاء در واجب تعالی
- ۲۲۴ نقد برهان
- ۲۲۵ ترکیب از وجود و عدم (وجدان و فقدان)
- ۲۲۶ برهان نزاهت واجب تعالی از ترکیب از وجود و عدم (وجدان و فقدان)
- ۲۲۷ نقد برهان مذکور
- ۲۲۸ اشکال بر برهان و پاسخ آن
- ۲۳۱ نتیجه بحث
- ۲۳۲ ● فصل چهارم: (نزاهت واجب‌الوجود از تقسیم)
- ۲۳۲ انواع تقسیم
- ۲۳۳ برهان بر تقسیم ناپذیری واجب‌الوجود
- ۲۳۵ ● فصل پنجم: توحید واجب تعالی و نفی شریک از او در وجوب وجود
- ۲۳۶ فرق وحدت عددی با وحدت حقّه

۲۳۸	برهان «صرف شیء تکرارپذیر نیست»
۲۴۱	اشاره به برهان شیخ و نقد آن
۲۴۲	برهان مشهور بر وحدت واجب الوجود
۲۴۴	طرح شبهه ابن کمونه
۲۴۵	پاسخ شبهه ابن کمونه
۲۴۸	«فهرست منابع»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

مباحث این رساله کوشش مختصری است درباره بخشی از آنچه که در فلسفه اسلامی تحت عنوان «الهیات بالمعنی الاخص» خوانده می‌شود، که در زمینه شناخت «ذات حق تعالی» می‌باشد.

این مباحث در دو بخش تدوین شده است. بخش اول مشتمل بر مباحث معرفت‌شناسی ذات حق تعالی است. در این قسمت سعی شده است به مباحث و شبهاتی که به انکار شناخت خدا می‌انجامند، پرداخته و پاسخ آن‌ها نیز از فلسفه اسلامی آورده شود. ریشه بسیاری از آن شبهات از فلسفه غرب نشأت گرفته است، و در این رساله تلاش شده است ابتدا ریشه و مبادی فلسفی این شبهات روشن شود و پس از تبیین موضع اختلاف، با مبانی فلسفه اسلامی پاسخی متناسب به آن‌ها داده شود. خصوصاً از آثار گرانقدر علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری، بهره فراوان برده شده است.

در این بخش پس از آن که موانع فکر شناخت خدا، پاسخ داده شد و امکان آن را اثبات نمودیم، به مباحثی پیرامون «راه‌های شناخت خدا» می‌پردازیم.

این مطالب به جهت روشنگری اشتباه کسانی که «راه شناخت خدا» را منحصر در راه حس و طبیعت می‌دانند و به نظر آنان این علم حسی و تجربی است که توحید را احیا کرده است و راه‌های عقلی و فلسفی را برای شناخت خدا، بیراهه رفتن می‌دانند، آورده شده است.^(۱) آن‌ها منبع شناخت خدا را طبیعت، آن هم با روش حسی می‌دانند.

البته شکی در این نیست که قرآن انسان را به مطالعه حسی طبیعت دعوت

می‌کند و بر شناخت خدا از این طریق اصرار دارد، ولی آیا قرآن مطالعه طبیعت را برای حلّ تمام مسائلی که خود طرح کرده است، کافی می‌داند؟ یقیناً اینگونه نیست زیرا قرآن از طرفی انسان را به مطالعه و تفکر در آیات قرآن دعوت می‌کند و از طرفی ما می‌دانیم مطالعه طبیعت برای حلّ تمامی مطالبی که در قرآن طرح شده است از قبیل این آیات «هو الاول والاخر والظاهر والباطن»^(۱) و آیه «ایسما تُولُوا فِثْمٌ وَجِهَ اللّٰه»^(۲)، کافی نیست، پس حتماً راهی دیگر نیز وجود دارد که قرآن تلویحاً انسان را ترغیب به رفتن از آن راه برای رسیدن به عمق مطالب طرح شده، می‌نماید. ما راهی را به اتقان و محکمی راه فلسفه و عقل برای شناخت آن مفاهیم قرآنی نمی‌شناسیم و در طی مباحث آینده روشن خواهد شد که علوم تجربی و حسّی نیز بدون معقولات ثانیه فلسفی و یک سری قواعد عقلی محض، نتیجه بخش نخواهند بود. پس راه شناخت انسان به هر نوعی که باشد اگر بخواهد به صورت علم در آید و تحت قوانین و قواعد کلی مطرح شوند، تنها از طریق تعقل و مفاهیم فلسفی امکان پذیر است.

در این بخش باب دیگری را نیز برای بیان حدود شناخت انسان از خدا گشوده‌ایم که چگونگی شناخت انسان از خدا را بررسی کرده و تفاوت راه دل و فلسفه را در این شناخت بحث کرده و اینکه آیا انسان به کُنه ذات حقّ علم پیدا خواهد کرد یا نه؟ و در صورتی که به کُنه ذات او علم پیدا نمی‌کند، پس چگونه او را می‌شناسد و نحوه حصول آن برای انسان، تحقیق شده است.

در بخش دوم این رساله به مباحث وجودشناسی ذات حقّ پرداخته شده است. از میان ادله‌ای که برای اثبات وجود واجب تعالی اقامه شده است، به متقن‌ترین آن‌ها توجه شده و برخی نیز به نقد کشیده شده است، تا اتقان و قوّت آن ادله روشن شود.

همچنین در این سلسله مباحث سعی شده تصویر صحیحی از ذات حقّ با ادله‌ای قوی ارائه شود؛ تا از این طریق جلوی برخی از گرایش‌ها به سوی مادی‌گری

۱- سوره حدید / ۴.

۲- بقره / ۱۱۵.

و الحاد که نشأت گرفته از تصویر غلطی است که از حضرت حق دارند، گرفته شود. به تعبیر شهید مطهری یکی از علل گرایش به مادی‌گری، نارسایی مفاهیم فلسفه غرب در مسائل الهی است و اشکال مسائل ماوراء الطبیعی در مرحله درست «تصور» نکردن است نه در مرحله تصدیق.^(۱)

همچنین در این بخش به جهت معرفی صحیح ذات حضرت حق از نظر فلسفه، به نزاهت ذات و وجود حق تعالی از ماهیت، پرداخته شده است و اثبات گردیده که واجب تعالی ماهیت به معنای «مایقال فی جواب ماهو» ندارد و حضرت حق تنها وجودی است که از او ماهیت انتزاع نمی‌شود و وجود محض می‌باشد.

و همچنین به مسأله بساطت حق متعال در فلسفه توجه شده است و ذات حق را از هرگونه ترکیب و کثرت منزّه دانسته‌ایم، چه اینکه هرگاه موجودی، وجود محض باشد و نتوان از او ماهیتی انتزاع کرد، حتماً از هر جهتی بسیط نیز می‌باشد و هیچگونه ترکیبی در او راه نخواهد داشت.

در این بخش نیز ثابت شده است که چون واجب تعالی وجود محض و صرف وجود است مشوب به قوه نمی‌باشد پس در وجودش نیاز به فصل مقسّم و عوارض مشخصه و مصنّفه ندارد.

در انتها نیز به اثبات توحید و یگانگی واجب تعالی و نفی شریک از او در وجوب وجود پرداخته‌ایم.

ان شاء... این رساله مورد قبول درگاه حضرت حق متعال قرار گیرد و در تصحیح عقاید نگارنده و خوانندگان آن مؤثر واقع شود.

در اینجا لازم می‌دانم از راهنمایی‌های استاد ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر اکبریان و از زحمات جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر دیوانی، کمال تشکر را بنمایم.

دانشگاه قم - مرکز تربیت مدرس

محمدحسن امجدی

تبیین موضوع رساله

قبل از ورود به تحقیق پیرامون موضوع رساله، لازم است به طور اختصار منظور از «ذات حق تعالی» روشن شود.

«ذات» به چه معنا است؟

در فلسفه لفظ «ذات» را در چند معنا استعمال کرده‌اند:

گاهی «ذات» را در مورد «تمام ماهیت شیء» به کار برده‌اند، مثلاً «حیوان ناطق» را نسبت به افراد انسان، ذات دانسته‌اند.

در برخی موارد مراد حکما از ذات، معنی «قائم به نفس» بوده است که در این صورت اعراض را نمی‌توان ذات نامید.

در استعمال دیگری از ذات، حکما «هویت شخصیه» را اراده کرده‌اند خواه آن هویت شخصیه، واجب‌الوجود باشد و خواه ممکن‌الوجود، جوهر باشد یا عرض، که به این معنا بر واجب‌الوجود بالذات، «ذات» گفته می‌شود.^(۱)

برای روشن شدن این که چرا «ذات» به معنای «تمام ماهیت شیء» در مورد واجب‌الوجود استعمال نمی‌شود و وقتی می‌گوییم «ذات حق تعالی» مراد از آن «هویت شخصیه» است لازم است، مطالبی را به عنوان مقدمه طرح نماییم.

گفتیم که یکی از موارد استعمال لفظ «ذات» در فلسفه، در مورد ماهیات است یعنی تمام ماهیت شیء را «ذات» می‌گویند. در مورد ماهیات ممکنات، دو مرتبه را

می توان تصوّر کرد: «مرتبه ذات» و «مرتبه واقع و خارج» که احکام ماهیت در مرتبه ذات متفاوت و در مواردی مخالف، با احکام آن در مرتبه واقع است. در مرتبه ذات، ماهیت فقط بماهی هی - قطع نظر از جمیع اغیار - ملاحظه می شود. در این مرتبه احکامی که بر ماهیت بار می شود همه به حمل اولی است ولی در مرتبه واقع و خارج، هم می توان ماهیت را بماهی هی و قطع نظر از جمیع اغیار ملاحظه کرد، هم می توان ماهیت را با در نظر گرفتن غیر اعتبار نمود، در این مرتبه احکامی که بر ماهیت بار می شود به حمل شایع است، چه ماهیت به ماهی هی محکوم به آن شده باشد و چه با اعتبار غیر.

در توضیح بیشتر باید گفت که هر واقعیت محدودی و ممکن الوجودی در ذهن انسان به دو حیثیت تحلیل می شود و ذهن آدمی از آن، دو مفهوم بدست می آورد. مفهوم وجود و مفهوم ماهوی مانند انسان، اسب. ذهن انسان قادر است به مفهوم ماهوی، از آن جهت که «مفهوم» و «کلی» و «جنس یا فصل یا نوع» است و جایگاه آن در ذهن می باشد، توجه نکند یعنی به متن آن توجه کند بدون اینکه مفهومیت، ذهنیت، کلیت، جنس یا نوع یا فصل بودن آن را لحاظ کند و به تعبیر فلاسفه آن را «لابشرط» اخذ کند. هنگامی که مفهوم ماهوی این گونه اعتبار شد، به آن «ماهیت، طبیعت، کلی طبیعی، ذات، حقیقت» می گویند. پس مفهوم انسان را که مورد توجه قرار می دهیم، اگر توجه به مفهومیت یا خصوصیات مفهومی و ذهنی آن داشته باشیم و مورد لحاظ قرار بگیرند یعنی «بماهو مفهوم» اعتبار شود، یک مفهوم (ماهوی) است و ماهیت و ذات نیست اما اگر خود انسانیت او مورد نظر باشد و مفهومیت آن مورد لحاظ نباشد و به تعبیر فلاسفه «انسان بماهو انسان» اعتبار شود، ذات و ماهیت است و به این اعتبار به آن می گوئیم: «ذات انسان، ماهیت انسان، کلی طبیعی انسان».

حال که معنای ماهیت و ذات در ممکنات روشن شد باید این مطلب را نیز توجه داشت که به ماهیت به دو نحو مختلف می توان نظر کرد: گاهی نظر به داخل ذات و